سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اداره مخطوطات
میکرو فیلم تهیه شد ۱۳۸۵/۵/۱۹
نام کتاب رسائل: ۱- *منظومه حرکت فلک الافلاک
مولف متن سدیدالدین منزوی محشی
شارح مترجم
تاریخ تحریر نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۷
نام کاتب
موضوع هیئت و نجوم زبان فارسی عدد اوراق ۱۷۵
طول ۲۷ عرض ۱۶/۵ شماره عمومی ۳۱۵۷۱
وقفی / خریداری خریداری مقام معظم رهبری تاریخ وقف بهمن ۸۳
ملاحظات
۲- مثنوی نظم الوصول ۳- قصیده لامیه مدحیه ۴- قصائد چهارباغ ۵- خزانة الاحکام. * به عنوان مدخل منظوم
۱۸۵
* عنوان اصلی مدخل منظوم است
مکرر ۲۴۷۲۱ مرکزی

...الله الرحمن الرحیم

... تا بنام حق ابتدا نکند
... صانع بی بدل حکیم و علیم
... کرد پیدا که کس نبود شش یار
... اندرین هر یکی فزون از حد
... نیز توفیق تا توانستیم

آنکه از بهر افسر دین هدای — آسمان کرد و اختران پیدا
کیست آن آسمان محمد زاد — اخترانش صحابه با داد
آسمان او ولی بحکم زمین — اختر انها و لیک رهبر دین
باد بر جان هر یکی از ما — هر زمان بیکران درود و ثنا

آغاز کتاب

چون بدیدم که در بسیط زمین — هیچ دانش ز بعد دانش دین

ف م ۲
سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اداره مخطوطات
نام کتاب مدخل منظوم
مولف متن سدیدالدین منزوی محشی
شارح مترجم
تاریخ تحریر نوع خط تعداد سطر
نام کاتب
موضوع نجوم زبان فارسی عدد اوراق
طول عرض شماره عمومی ۳۱۵۷۱
وقفی / خریداری تاریخ وقف
ملاحظات
جزو رسائل منظوم مولف است

نیست از دانش نجو...
کردم آغاز مدخل منـ...

در هیئت ...

اول از هیئت فلک...
آفریننده بر...
هر یکم ماه هر دویم تیر...
شمس بر چرخ چهار...
ششمین ... چرخ مشتر...
باز هشتم که ثابتات...

عدد و چرخها چو شد معلوم — ... عدد ازین بروج نجوم
حکما پیش ازین بحکم رصد — اختران گرفته اند عدد
با نه و بیست آمده ست هزار — هفت از ایشان کواکب سیار
ثابتات است نام دیگرها — نه از ایشان کنند پیکرها

در قسمت چرخها

باز کردند زمرهٔ حکمت — هشتمین چرخ را دو شش قسمت
چون بقاعی نهاده شد اقسام — برج کردند هر یکی را نام

بسم الله الرحمن الرحیم

مرد دانا سخن ادا نکند — تا بنام حق ابتدا نکند
مالک لم یزل کریم قدیم — صانع بی بدل حکیم علیم
آنکه هفت و نه و ده و دو چهار — کرد پیدا که کس نبودشان یار
کرد پیدا دلیل هستی خود — اندرین هر یکی فزون از حد
داد ما علم تا بدانستیم — نیز توفیق تا توانستیم
آنکه از بهر افسر دین هدای — آسمان کرد و اختران پیدا
کیست آن آسمان محمد زاد — اخترانش صحابهٔ با داد
آسمان او ولی بحکم زمین — اخترانها ولیک رهبر دین
باد بر جان هر یکی از ما — هر زمان بیکران درود و ثنا

آغاز کتاب

چون بدیدم که در بسیط زمین — هیچ دانش ز بعد دانش دین

بیست از دانش نجوم به — کاندرو گنج حکمت است فره
کردم آغاز مدخل منظوم — یاد کردم درو بسی ز علوم

در هیئت افلاک سیاره

اول از هیئت فلک گوییم — پس باحکام اختران پوییم
آفرینندهٔ پری و ملک — وانکه نه آفرید چرخ فلک
هر یکم ماه هر دویم تیر است — باز ناهید هر سیوم میر است
شمس بر چرخ چهارم است مدام — همچو بر چرخ پنجمین بهرام
ششمین چرخ مشتری را دان — هفتمین هست منزل کیوان
باز هشتم که ثابتات دور است — زیر او نهم که جمله دور است

عدد قسمت افلاک

عدد و چرخها چو شد معلوم — بشمرم بعد ازین بروج نجوم
حکما پیش ازین بحکم رصد — اختران را گرفته اند عدد
بانه و بیست آمد است هزار — هفت از ایشان کواکب سیار
ثابتات است نام دیگرها — هم از ایشان کنند پیکرها

در قسمت چرخها

باز کردند زمرهٔ حکمت — هشتمین چرخ را دو شش قسمت
چون تمامی نهاده شد اقسام — برج کردند هر یکی را نام

تربیع

باز تربیع وقت تعلیمت   کردن تیغ و صنعت ابهمت
با بزرگان اگر کنی دیدار   وقت تثلیث نیک دان هموار
ور مقابل نظر بود سره دان   وقت با عالمان مناظره دان

اتصال قمر با زحل

ور بود با قمر قران زحل   باشد آغاز کارها بخلل
خاصه تزویج و جامه بریدن   سفر و بیع و خانه بخریدن
پاک نبود ز کندن کاریز   همچنین و جوی و کندن نیز
باز نشان گر نظر بود تسدیس   کار شد زین حدیث بی تلبیس
دیدن شاه پیر و خواجه دهقان   نیک میدان عمارت بستان
ور نباشد نظر بجز تربیع   نبود هیچ کار بی تصدیع
ور بتثلیث میکنند نظر   باشد آن وقت نیک صید و سفر
نظر بابتر از مقابله نیست   که از او جز بدی مخاصمه نیست
قران قمر با مشتری
گر مقابله بمشتری است قمر   بلک سعادت تر بود ز خبر
اول کارها قلیل و کثیر   نیک باشد بخاصه نیز وزیر
ور به تسدیس میکنند نظر   دان که وقت تجارت است و سفر
وقت تربیع گر بنایی چند   نیک باشد عمارت و مسجد

دهد

۱۷

دهدت نیکی و سعادت او   نه نکو شناس کندن جو
ور به تثلیث بنگرد ماهی   وآن که نبود در هیچ کار رغی
خاصه آرایش از کثیر و قلیل   دیدن [illegible] ان خلیل
باز نشان گر مقابلت نظر   بکن اندیشه و خیال مخبر
ور کنند این زمان مناظره   نبود عالم مخاطره

قران قمر با مریخ

ور کند با قمر قران بهرام   نبود هیچ کار بد آرام
خاصه زوقش بر بعیش اهل اضلال   نیک بد دان مثنوی این مریخ
از تسدیس وقت دیدار است   باکسی کو سپاه سالار است
و عدو فرستی همی براه برید   بنشین وقت به که نیست شدید
گر وقت تربیع دان که هست خطر   جامه بریدن و نکاح و سفر
گاه تثلیث کار اهل سیاه   حاجت خویش را ز ایشان خواه
لیک [illegible] از مقابله بنظر   از سیاهی و کار او بحذر
[illegible] وقت بنده را از هر کر   زانکه نحسی مواترست بزر

فتح الباب

بنظر هر دو کوکب بر هم   که بود خانشان برابر هم
زانکه عقلش نظر صواب کند   نام این شکل فتح باب کند

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اداره مخطوطات
نام کتاب: نظم الوصول (مثنوی) تاریخ تألیف: ...
مؤلف متن: سدید الدین مروزی محشی ...
شارح ... مترجم ...
تاریخ تحریر ... نوع خط ... تعداد سطر ...
نام کاتب ...
موضوع: نجوم زبان: فارسی عدد اوراق ...
طول ... عرض ... شماره عمومی ۳۹۴۷۷
وقفی / خریداری ... تاریخ وقف ...
ملاحظات ...
جزو رسائل ناقص است.

هو الله الذی رفع ال[illegible]
بدیع القادر ... [illegible]
... من له ما فی ال[illegible]
مبرا خالق کان لی [illegible]

لا علام ... لا سدادا | بنینا فوقکم سبعا شدادا
فیحفظها بحکمة التقویم | اذا من کل شیطان الرجیم
... داد زیب از شهب ثاقب | که زینتها بزینة الکواکب
فقال الله جبار السلاطین | جعلناها رجوما للشیاطین
... از کواکب کرد افلاک | ز انسان داد زیب نقطه خاک
الحمد الذی جعل النجوم | علامات موثره العلوم
... قاصر من حصر حمده | فسبحان الذی اسری بعبده

شناختن فصول

وقت سرما و باد و نم باشد | دل دانا بری ز غم باشد
ور کند مه بآفتاب نظر | ور [illegible] سوی قمر
یا بمریخ یا بسعد [illegible] | یا ازین هر دو یکی بجو کند
وآن که وقت شکیبش سرماست | کین نظرها دلیل بر سرماست
هر که این را تمام بر خواند | چون بتقویم ... داند
آنچه مکتوب باشد اندر روی | مشکلش جمله حل شود بروی
لیک باید که اعتقادش زین | چون بداند بگردد از ره دین
که نداند شناخت هر دو سرا | هیچ کس علم غیب غیر خدا

تمت تمام شد